

Salafism in Iraq and its Impact on the National Interests of the Islamic Republic of Iran

Seyyed Sajjad Hosseini Dehnavi¹, Roohollah Pouraseyab²

Abstract

The Middle East region has always seen developments and transformations during its modern history. In the meantime, the occupation of Iraq by the United States in 2003, the overthrow of Saddam and regime change in this country can be considered the most important event that at all forms a new era of interactions among the regional actors, the balance of power in the Middle East. The political tensions and its conflict can lead to an increase of insecurity in societies and the incidence of security challenges, and ultimately, to the regional crisis. The experience of the Taliban's performance at the beginning of the 21st century and the repression of the USA government in the Middle East region formed a strike that has been featured in forming the sects and appearance of insecurity in Islamic countries. The crisis in Iraq which began by the show of the Takfiri group called ISIS (the Islamic State of Iraq and Syria) from the beginning of this year and continued over the past few months, is the product of sectarian conflicts that has rooted in the past performance of foreign interference in the region and has made its continues at the region. Iraq is neighbor with major regional actors, including Iran, Turkey and Saudi Arabia, so its developments are influential on these countries. Iran among the neighbors and regional actors in Iraq, with a positive approach to the realities and the new political structure of that country has constantly supported establishing security, stability, territorial integrity and national unity of Iraq after Saddam. However, Iraq (after Saddam) due to insecurity, the presence of American forces, sectarian violence, the presence of Salafi forces and extremism growth, has also been some threats (albeit temporary) for Iran. Therefore, Iraq has an exact definition of Iranian national interests with its geopolitical characteristics, ethnic, religious, cultural and economic characteristics and has a specific position in Iran's policies.

Keywords: *Salafism, national interests, national security, geopolitical.*

1- Lecturer at Imam Hussein University of Officers and Guards Training.

2- Doctor of Kalam, lecturer at Imam Hussein University of Officers and Guards.

سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

سید سجاد حسینی دهنوی^۱، دکتر روح‌اله پورآسیاب^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷

چکیده

منطقه خاورمیانه در طول تاریخ مدرن خود همواره شاهد تحولات و دگرگونی‌هایی بوده که امنیت و سیاست در سطح بین‌المللی را به شدت متأثر کرده است. در این میان، اشغال عراق از سوی آمریکا در سال ۲۰۰۳، سرنگونی صدام و تغییر رژیم در این کشور را می‌توان مهم‌ترین رویدادی تلقی کرد که به شکل‌گیری دوره جدیدی از تعاملات میان بازیگران منطقه‌ای، توازن قدرت در خاورمیانه و در مجموع تصویر نوینی از منطقه منجر شده است. تنش‌های سیاسی و تنازعات حاصل از آن می‌تواند به افزایش ناامنی در جوامع و بروز چالش‌های امنیتی و در نهایت، بحران منطقه‌ای بیانجامد. تجربه حاصل از عملکرد طالبان در آغاز قرن بیست و یکم و آشوب‌سازی دولت آمریکا در منطقه خاورمیانه، تنازعی را شکل داد که بخشی از آن در فرقه‌سازی و ظهور ناامنی در کشورهای اسلامی نمایان شده است. بحرانی که در عراق با نمایش گروهک تکفیری به نام داعش (دولت اسلامی عراق و شام) شکل گرفت؛ محصول تنازعات فرقه‌ای است که ریشه در عملکرد گذشته دخالت‌های خارجی در منطقه داشته و راه را برای استمرار بحران‌سازی در منطقه هموار ساخته است. کشور عراق با بازیگران مهم منطقه‌ای از جمله ایران، ترکیه و عربستان سعودی همسایه است و تحولات آن بر این کشورها نیز تأثیرگذار است. ایران در میان همسایگان و بازیگران منطقه‌ای عراق، با رویکرد مثبت نسبت به واقعیت‌ها و ساختار سیاسی جدید آن کشور؛ همواره از برقراری امنیت، ثبات، تمامیت ارضی و وحدت ملی در عراق پس از صدام حمایت کرده است. با این حال، عراق پس از صدام به دلیل فضای ناامنی، حضور نیروهای آمریکایی، خشونت‌های فرقه‌ای، وجود نیروهای سلفی و رشد افراط‌گرایی، واجد برخی تهدیدات (هرچند شاید مقطعی) نیز برای ایران بوده است. بنابراین عراق با مجموعه ویژگی‌های ژئوپلیتیکی سرزمینی - قومی - مذهبی - فرهنگی و اقتصادی، تعریف مشخصی در منافع ملی ایران داشته و جایگاه خاصی را در سیاست‌های ایران به خود اختصاص داده است.

کلیدواژه‌ها: سلفی‌گری، منافع ملی، امنیت ملی، ژئوپلیتیک.

۱- کارشناسی ارشد، مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام)

۲- دکتری، مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام)

مقدمه:

خاورمیانه به عنوان یک منطقه استراتژیک بزرگ، به عنوان مهره اصلی بازی در دست قدرت‌های بزرگ است و در این مکان جغرافیایی، منافع اقویا مورد تلاقی و برخورد بین همدیگر قرار می‌گیرد. با توجه به این موضوع می‌توان از خاورمیانه به عنوان مناطق گسسته‌ای نام برد که از نیل به یک اتحاد سیاسی و یا اقتصادی عملی ناتوان می‌باشند؛ این در حالی است که برخی از بخش‌های کمر بند گسسته می‌تواند سیاست بی‌طرفی یا عدم تعهد را اتخاذ نماید، ولی هم‌زمان سایر بخش‌ها در پیوندهای خارجی ادغام می‌شوند. علت اینکه از این منطقه به عنوان کمر بند گسسته نام برده می‌شود این است که کشورهای این منطقه دارای اختلافات چشمگیر می‌باشند و در مکانی قرار گرفته‌اند که منافعی در میان چرخ‌های منافع بیگانگان خرد می‌شوند. منطقه خاورمیانه طی چند سال اخیر و به‌طور مشخص، بعد از حادثه یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ با چالش‌ها و ناامنی‌هایی مواجه شده که آثار آن به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در حافظه عمومی ملت‌ها و به‌ویژه مردم منطقه به جای مانده است. زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ در منطقه که با بهره‌گیری از جمود فکری برخی از فرقه‌های سیاسی و مذهبی اسلام‌گرا همراه شده، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که افزون بر تشدید تنازعات سیاسی، تنازعات مذهبی را نیز شدت داده است. دغدغه و مسئله رسیدن به نقطه کانونی، دلایل بروز ناامنی و ریشه‌یابی آن در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه عراق است. تداوم ناامنی در عراق، به‌گونه‌ای تداوم ناامنی در کشورهای هم‌جوار آن و از جمله ایران بوده و می‌تواند پیامدهای امنیتی ناخوشایندی را برای نظام ج.ا.ایران در پی داشته باشد. عراق کشوری تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای بوده و از نقش مهم آن در بازی سیاسی بین قدرت‌های بزرگ نباید غافل ماند؛ چرا که در طول سی سال گذشته بسیاری از تحولات سیاسی منطقه ناشی از تحولات عراق و شرایط سیاسی و امنیتی حاکم بر این کشور بوده است (ساوه درودی، ۱۳۹۳: ۵).

سوءاستفاده از اختلافات فکری و اعتقادی مذاهب گوناگون اسلامی و اختلاف‌افکنی بین آنان، همواره یکی از برنامه‌های ثابت استعمارگران و مستکبرین جهت تضعیف جهان اسلام و کسب منافع نامشروع بوده است. هر عامل تفرقه‌ای که در دنیای اسلام مشاهده شود، در نهایت با ایادی خبیث استکبار ارتباط پیدا می‌کند و تحرکات تفرقه‌افکنانه آنان میان قومیت‌ها، ملت‌ها و

مذاهب اسلامی اکنون به جایی رسیده است که با پول، تشویق، تدبیر و طراحی ایادی استکبار، برخی از مسلمین برخی دیگر را تکفیر می‌کنند و آنان را کافر می‌خوانند. در سال‌های اخیر و به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شدت گرفتن امواج بیداری اسلامی در اقصی نقاط جهان اسلام، فعالیت‌ها و اقدامات گروه‌های تکفیری، سلفی، وهابی و... علیه مسلمانان «شیعه و سنی» بیشتر شده است (علیزاده و بزرگ‌زاده، ۱۳۹۳: ۵).

سلفی‌گری یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی بین‌المللی است که به‌ویژه در دهه اخیر نقش برجسته‌ای در ناامن‌سازی فضای منطقه‌ای داشته است. شکل‌گیری سلفی‌گری، مهم‌ترین رویداد ایدئولوژیکی و فکری تاریخ مسلمانان به شمار می‌آید که توانسته است به پشتوانه ادبیات فقهی و کلامی و نیز نشانه‌شناسی (هدف‌ها) متکی بر شبکه معنایی گسترده، نیاز به گرایش‌ها و جریان‌های سیاسی سلفی را مجسم و آن‌ها را در اشکال روز، بازتولید کند. وجود جریان‌های سلفی در عراق قدمتی طولانی دارد؛ این جریان همواره بخشی از ساختار هویت‌ساز عراق بوده که آن را با چالش‌های اساسی روبرو کرده است، جریانی که بدون شک زاینده شرایط داخلی و خارجی متعدد است. سلفی‌گری تا قبل از اشغال عراق، پدیده‌ای نه چندان گسترده بود؛ اما بعد از اشغال سال ۲۰۰۳، با وجود آنکه بستر اصلی آن در بیرون و در افغانستان شکل گرفته بود؛ در عراق موجب ایجاد گروهکی شد که آن را القاعده در سرزمین بین‌النهرین می‌نامیدند. این جریان با طی فراز و نشیب‌هایی در طول سالیان اخیر، در بحران سوریه فرصت احیا پیدا کرد و با نام داعش در عراق اعلام موجودیت کرد (سیدنژاد، ۱۳۸۸: ۳).

عراق جدید واجد تحولاتی است که تغییر در ساختار قدرت و هویت آن باعث دگرگونی‌هایی در ژئوپلیتیک و رویکردهای بازیگران خاورمیانه‌ای شده است. حضور شیعیان و اکراد در ساخت قدرت بغداد، حذف رژیم کینه‌توز بعثی، تغییر رویکرد «عربی - سنی» به «عربی - شیعی - کردی» در فضای سیاسی عراق، فرصت‌های به وجود آمده در عراق جدید در جهت منافع ملی ایران است. حضور بازیگر فرامنطقه‌ای آمریکا و بازیگران منطقه‌ای دیگر در آمایش و روند تحولات عراق نوین، باعث اتخاذ استراتژی‌های سیاسی امنیتی ویژه ایران در قبال این واقعیات شده است. حضور شیعیان در رأس هرم سیاسی عراق، عنصر کردی، مسائل مرزی، منافع بازیگران منطقه‌ای و... از جمله دغدغه‌هایی است که رویکردهای استراتژیک ایران در عراق را توجیه و تبیین می‌نماید (سیدنژاد، ۱۳۸۸: ۴).

بیان مسئله:

عراق همواره در طول تاریخ موجودیتش به عنوان یک همسایه آرام و مطمئن برای ایران نبوده است و مهم‌ترین تهدیدات امنیتی ایران از طرف این کشور روی داده است. عراق جدید با تغییرات شگرف نسبت به گذشته، دارای خصوصیتی است که نیازمند تجدیدنظر در استراتژی‌های راهبردی امنیتی ایران در قبال این کشور است. عراق کشوری است که به لحاظ قومی، مذهبی و زبانی متنوع است و گروه‌های مختلف قومی مذهبی در این کشور زندگی می‌کنند. شیعیان، اعراب سنی و کردها سه گروه اصلی در این کشور محسوب می‌شوند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عراق نوین، نگاه افراد و گروه‌ها با هویت‌های متمایز به ساخت قدرت و سیاست و چگونگی تنظیم روابط با یکدیگر است. نوع نگاه افراد و گروه‌ها در تنظیم روابط خود با همسایگان عرب، ایران و چگونگی حضور نیروهای بیگانه خصوصاً نیروهای سلفی - تکفیری در عراق نوین نیز نکته بسیار حائز اهمیت است. پیچیدگی ساختار هویتی و قومی عراق، مشکلات عمیقی را در این سطح تحلیل به همراه دارد. در طول نیم قرن گذشته، نگاه ایران و عراق نسبت به یکدیگر همواره نگاهی امنیتی بوده است. در شرایط نوین و با وارد شدن عناصر جدید در حوزه سیاسی عراق، جایگاه این کشور در سیاست خارجی ایران اهمیت بیشتری پیدا نموده و از تخصص و رقابت به سوی رقابت و همکاری میل می‌کند. از مهم‌ترین این عناصر، حضور شیعیان در رأس قدرت عراق و شکل‌گیری نوع جدیدی از ساخت قدرت در این کشور است که برای نخستین بار در تاریخ عراق و منطقه شاهد آن هستیم. عنصر دیگر، حذف رژیم است که همواره نگاهی کینه‌توزانه و خصومت‌آمیز نسبت به ایران داشته است. با توجه به تحولاتی که در عراق نوین پیش آمده، پاسخ به این سؤال مطرح می‌گردد که وجود نیروهای سلفی چه تأثیراتی بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق:

ضرورت تحقیق را می‌توان در اشتراک ایران با عراق در مواردی نظیر: ۱- همسایگی و اشتراک مذهبی (اکثریت شیعه)، ۲- تجانس فرهنگی و تاریخی، ۳- اشتراک منافع و وابستگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک دانست. هرچند تحولات جدید بر مبنای عناصر فوق، ایران و عراق را در مسیر همکاری و همگرایی قرار داده؛ اما رشد و توسعه آن مستلزم درک واقعیات دیگری است که

این موقعیت ژئوپلیتیکی را تهدید می‌کنند. یکی از مهم‌ترین عوامل، ایفای نقش جریان سلفی‌گری در عراق است که در تلاقی با عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از ظرفیت تأثیرگذاری زیادی برخوردار است. از نظر سلفی‌ها و حامیان منطقه‌ای آن، عراق جدید با توجه به نقش فرصت‌ساز شیعیان آن، مهم‌ترین حلقه اتصال استراتژیک ایران به حوزه‌های رقابت و نفوذ در سطح منطقه به حساب می‌آید. به‌ویژه آنکه در دوره‌ی جدید، درجه‌ی تعاملات دو کشور برای نخستین بار بر محور اتصالات طبیعی فرهنگی و سیاسی بین ملت‌ها و دولت‌ها، به‌طور هم‌زمان قرار گرفته و موجب ارتقا روند همگرایی و همکاری آن‌ها در مناسبات منطقه‌ای نیز خواهد شد.

پیشینه تحقیق:

مطالعه مسائل عراق به علت همسایگی با ایران و مهم‌بودن تأثیر آن بر مسائل استراتژیک ایران، باعث به‌تحریر درآمدن کتاب، مقالات، تحقیق و پژوهش‌های زیاد و برگزاری نشست‌های تخصصی، همایش‌ها، میزگردهای سیاسی - امنیتی، اقتصادی و... فراوان شده است. بررسی کتب کتابخانه‌ها و سایت‌های مختلف و بررسی و مطالعه پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و مطالب تدوین شده در مورد سلفی‌گری در عراق و جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد یافته‌های موجود درباره این موضوع عبارتند از:

- کتاب «**جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک**» از محمدپور و نامی که ساختارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی عراق را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

- کتاب «**روند دولت - ملت سازی در عراق جدید**» از علی‌اکبر اسدی که ابعاد و رویکردهای منطقه‌ای دولت - ملت سازی در عراق و فرصت‌ها و تهدیدهای عراق جدید برای ایران را بررسی می‌کند.

- مقاله «**اهداف پیدا و پنهان داعش در عراق**» از فرهاد توسکی

- مقاله «**بازشناسی سلفیه با تأکید بر طالبان و القاعده**» از محمدرضا طباطبایی و عبدالحمید افراخته

- پایان نامه «ریشه‌های تروریسم در خاورمیانه و تأثیر منفی آن بر امنیت ملی ایران» از

احمد کاظمی

اهداف تحقیق:

اصولاً هر تحقیق و پژوهشی به علت وجود اهدافی موجودیت می‌یابد و طبیعی است پژوهش ذیل نیز به دنبال یک سری اهدافی است که شکل‌گیری آن را توجیه می‌کند. لذا در این جهت به پاره‌ای از اهداف این پژوهش اشاره می‌رود:

هدف کلی: بررسی شکل‌گیری سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری

اسلامی ایران

هدف جزئی: بررسی چالش‌ها و تحولات امنیتی شکل‌گیری سلفی‌گری در عراق و

پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران

ادبیات تحقیق:

مفهوم لغوی سلفی:

«سلف» در لغت به معنی «پیشین» است؛

ابن‌منظور می‌گوید: «سَلْفٌ، یَسْلِفُ، سَلْفًا و سلوفاً» نیز صیغه‌های صرفی و مصدر «پیشی گرفتن» است.

«ابن فارس» می‌گوید: سلف اصلی است که بر تقدم و سبقت دلالت دارد. پس سلف کسانی

هستند که در گذشته بوده‌اند.

سلفیه از نظر ماده مصدر صناعی از کلمه «سَلْف» است که به آخرش یای نسبت، همراه با هاء

اضافه شده که این هاء هنگام وصل قلب به «ة» می‌شود؛ یعنی هنگام وقف «سلفیه» و هنگام وصل

«سلفیه» خوانده می‌شود.

و اما از نظر معنا، برخی آن را به معنای «پدران گذشته» دانسته و برخی دیگر بر همه پدران و

اقربای یک فرد که از نظر زمانی یا فضیلت بر او مقدم هستند، اطلاق کرده‌اند (رمضان البوطی،

۱۳۸۹: ۱۹). با توجه به این تعریف، سلف معنایی نسبی دارد؛ به این صورت که هر زمانی، سلف

زمان آینده‌ی خود است و در مقابل آن، «خلف» قرار دارد؛ به عبارت دیگر، ما نسبت به آیندگان، «سلف» هستیم و نسبت به گذشتگان «خلف» شمرده می‌شویم (رضوانی، ۱۳۸۸: ۱۰).

سلفیه در اصطلاح:

اصطلاح سلفیه در آثار محققان مسلمان کشورهای عربی، در دو معنا به کار رفته است.

در معنای نخست بر کسانی اطلاق می‌شود که مدعی هستند در اعتقادات و احکام فقهی، به سلف صالح اقتدا می‌کنند.

در معنای دوم که کاربرد آن به دوران بیداری مسلمانان در عصر حاضر بر می‌گردد، بر کسانی اطلاق گردیده است که برای بیداری مسلمانان و رهایی آنان از تقلید فکری غرب و اتکا و اعتماد آنان به فرهنگ و تمدن دیرینه خویش و رجوع به قرآن و سنت، با نگاهی تازه و اندیشه‌ای نو برای حل معضلات و مسائل فکری جدید و استخدام فن و تکنیک و علوم تجربی بر مبنای فرهنگ اسلامی و تطهیر چهره نورانی اسلام از غبار بدعت‌ها و خرافه‌هایی که در طول چهارده قرن بر آن نشسته بود تلاش کرده‌اند و حرکت «اصلاح دینی» را شکل داده‌اند (رمضان البوطی، ۱۳۸۹: ۲۵۹-۲۵۶).

تاریخچه سلفیت:

مسلمانان عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، چه آن‌هایی که موافق و یکدل بودند و چه آنانی که نفاق در سینه داشتند، در زمینه اصول و فروع دارای یک اساس و روش بودند؛ اما دیری نپایید که فتنه‌ای بزرگ با لشکرکشی معاویه و همراهانش برای جنگ با علی (ع) براساس فهم غلط و بینش نادرست و اینکه حضرت علی (ع) در مجازات قاتلان عثمان کوتاهی نموده است، سر از آستین درآورد و مسئله تحکیم میان دو فرقه و خروج عده‌ای از هم لشکریان حضرت علی (ع) بر وی، با این ادعا که پذیرفتن حکمیت ابوموسی اشعری و عمرو بن عاص به معنای پذیرفتن و پناه‌بردن به حکم بشر است و پذیرفتن حکم بشر کفر است؛ آن فتنه ایجاد بزرگ شد و نتیجه اعتقاد مذکور، چنین شد که حضرت علی و دو حکم و اصحاب جمل و هر کسی که مسئله تحکیم را پذیرفته باشد کافرند (بهنساوی، ۱۳۹۳: ۳).

پس از رحلت رسول گرامی اسلام (ص)، بین مسلمانان در موضوع جانشینی رسول خدا

اختلاف افتاد و این مسئله یک سؤال اساسی را مطرح ساخت: آیا خلافت به نصب الهی و معرفی نبوی ثابت می‌شود؛ یا به انتخاب مردمی؟ پاسخ به این سؤال مستلزم یک موضع‌گیری اعتقادی بود و طرفداران انتخاب یا انتصاب، هر کدام یک گروه فکری از مسلمانان را شکل دادند. سپس در زمان خلافت امیر مؤمنان (ع)، گروهی به کلی منکر هر نوع حکومتی شدند، وصف خویش را از امت اسلامی جدا کردند و به خوارج معروف شدند. بعد از آن نیز مسائلی که در باب ایمان و کفر، قضا و قدر، جبر و اختیار، صفات الهی به‌ویژه قدیم یا حادث بودن کلام الهی و به تبع آن حدوث و قدوم قرآن، عقل‌گرایی و نص‌گرایی و... پیش آمد؛ موجب تفرق مسلمانان به فرقه‌های گوناگون گردید. یکی از این فرقه‌ها اهل حدیث بودند که به اخذ مسائل اعتقادی و فروع عملی از ظواهر قرآن و روایت اصرار می‌ورزیدند. از درون این جریان فکری در قرون اخیر، تفکر سلف‌گرایی با نام سلفیه به عنوان یک فرقه شکل گرفت (بداشتی، ۱۳۸۸: ۹۲-۹۱).

آغاز رسمی پایه‌ریزی عقاید وهابیت که مبتنی بر انحرافات شدید اعتقادی و اثبات شرک و کفر فرق اسلامی بود، به وسیله ابن تیمیه در اواخر قرن هفتم مطرح شد که با مخالفت و مقابله آشکار اندیشمندان مذاهب اسلامی روبه‌رو گردید. وی در نهایت در سال ۷۲۸ ه.ق در زندان قلعه‌ی دمشق مرد و با مرگش افکار وی نیز به فراموشی سپرده شد. اما قرن‌ها بعد در قرن دوازدهم هجری، محمد بن عبدالوهاب بار دیگر عقاید ابن تیمیه را زنده کرد و با هماهنگی محمد بن سعود حاکم درعیه و به راه انداختن نبردهای خونین بر تمامی منطقه حجاز تسلط یافت (عباسی، ۱۳۸۹: ۵).

تحولات و فعل‌وانفعالات این جنبش، ماحصل برخورد مدرنیته و جهان اسلام بوده و طرح قدرتمندانه آن، مدیون این تلاقی و برخورد است. اکثر جنبش‌های سیاسی در جهان عرب و سایر نقاط جهان اسلام (از حجاز تا پاکستان و چین) حداقل در قرن اخیر به‌ویژه دو دهه گذشته مانند: القاعده، اخوان المسلمون، آلبانی، جماعت اسلامی مصر، التکفیر و الهجره و... به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم با این جنبش فکری مرتبط بوده‌اند. سلفی‌گری از جمله باورهای نوظهور و تأثیرگذار بخش عظیمی از جهان اسلام است که در سراسر جهان، در حال رشد و نمو است که در برخی مناطق، جنبش‌های سیاسی و اجتماعی ظاهر شده و بر سرنوشت جهان اسلام تأثیر فراوانی داشته است. سلفی‌گری معاصر اگرچه از باورهای نوظهور و تأثیرگذار در جهان اسلام به شمار می‌آید؛

لیکن ریشه در باورهای جریان‌های سیاسی دارد که امروزه از سوی سلفیان و پیروانش، در سراسر جهان در تبلیغ و نشر روایت و قرائت خود از اسلام است. به‌ویژه در سال‌ها و دهه‌های اخیر به دستاوردهایی دست یافته و مراکز دینی بسیاری را در اقصی نقاط جهان راه‌اندازی کرده و در مناطقی به‌صورت جنبش‌های سیاسی، اجتماعی ظاهر شده و بر سرنوشت جهان اسلام تأثیر گسترده نهاده‌اند (عبدی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱).

در زمان معاصر، گروهی تندرو و ناآگاه از اصول و مبانی آیین محمدی؛ اسلام و ایمان را گویی برای خود احتکار کرده و از میان همه مسلمانان، فقط گروه اندکی را مؤمن می‌دانند و دیگران را کافر و مه‌دورالدم می‌شمارند. ریشه این نوع تکفیرها به عصر ابن تیمیه و پس از وی به وهابیان تندرو بر می‌گردد و شدت عمل گروه دوم بیش از فرد نخستین است، زیرا ابن تیمیه غالباً از کلمه بدعت بهره می‌گیرد؛ ولی گروه اخیر به جای بدعت، واژه کفر را به کار می‌برد و ملاک تکفیر، ناهماهنگی با افکار آن‌ها در امثال مسائل پیشین است. آن‌ها به شدت با حفظ قبور پیامبران و اولیای الهی مخالف هستند و زیارتگاه‌ها را مظهر بت‌پرستی قلمداد می‌کنند! در حالی که در طول تاریخ اسلام، قبور انبیای پیشین در فلسطین و اردن و شام و عراق پیوسته محفوظ بوده و مسلمانان گروه گروه به زیارت آن‌ها می‌رفتند و هیچ‌کس چنین کاری را برخلاف توحید توصیف نمی‌کرد. حتی روزی که بیت‌المقدس به وسیله عمر بن خطاب فتح شد، هرگز او به تخریب این مقامات فرمان نداد؛ بلکه شیوه پیشینیان را در حفظ و آرایش آن‌ها تأیید کرد. در طول زمان، پس از رحلت پیامبر، تمام موحدان به پیامبر اکرم (ص) متوسل شده تا حاجت آنان با شفاعت او برآورده شود؛ اما این گروه این نوع توسل‌ها را با توسل مشرکان به بت‌ها یکسان می‌گیرند؛ در حالی که ماهیت این دو نوع توسل از هم جداست و از زمین تا آسمان فاصله دارد (سبحانی، ۱۳۹۳: ۹).

دسته‌بندی جریان‌های سلفی:

سلفی‌گری تکفیری:

سابقه «تکفیر» به قرن اول هجری باز می‌گردد که هم‌زمان با ظهور «خوارج» است. دغدغه اصلی خوارج، مسئله ایمان و کفر بود که می‌تواند تأثیرهای مهم سیاسی به لحاظ برخورداری افراد از حقوق ناشی از عضویت در جامعه اسلامی، همچون حرمت جان، مال و حق زندگی داشته باشد.

آموزه دیگر خوارج را می‌توان «نفی حکومت» دانست. به دلیل فهم نادرست از آیه «إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ»، طبق دیدگاه خوارج، خداوند باید مستقیماً در این جهان حکومت کند. بر اساس مسئله ایمان و کفر، خوارج مرتکب گناه کبیره را کافر می‌دانستند. فرد با ارتکاب کبیره از عضویت در جامعه اسلامی نیز خارج می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر در همه درجات آن واجب است که لازمه آن، نظارت شدید بر رفتار فردی و اجتماعی افراد است و یکی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر را وجوب خروج و جنگ با حاکم ستمگر می‌دانستند.

- ویژگی‌های روش‌شناختی خوارج را می‌توان چنین برشمرد:

- تمرکز بر آموزه‌های نقلی دینی و پرهیز از رجوع به عقل؛
- اخذ ظواهر دینی و رد هرگونه تفسیر و تأویل؛
- عمل‌گرایی شدید در اندیشه و تقدم عمل بر نظریه؛
- پایان تقدیس قدرت سیاسی پس از رحلت پیامبر و انتقال آن به کل جامعه اسلامی
- دیدگاه خوارج در مورد اعتقاد به دموکراسی فراگیر و افراطی که به برابری تمام مسلمانان در امر حکومت معتقد بودند (علیزاده موسوی، ۱۳۹۳: ۳۲).

سلفی‌گری جهادی:

«سلفیه جهادی» جریانی است که در اندیشه‌های «ابوالاعلی مودودی» ریشه دارد. به نظر «حمید عنایت»، جان کلام نظریه آماده‌سازی انقلاب اسلامی مودودی این است که حکومت اسلامی، بدون انقلابی اسلامی، لاجرم وا می‌ماند و فرو می‌ریزد. ریشه‌های دیگر این جریان در اندیشه سید قطب است که همه جوامع را «جوامع جاهلی» نام نهاد و نیز در اندیشه «محمد عبدالسلام» که بحث «الفريضة الغائبة» را مطرح کرد. به این ترتیب، مفهوم «جهاد» یکی از لوازم بازگشت به عظمت اسلامی تلقی شد که دو صورت داشت: جهاد با دشمن داخلی و جهاد با دشمن خارجی. طبق این عقیده، بر هر مسلمانی واجب است که هر سال جهاد انجام دهد یا هزینه دوازده ماهه یک سرباز را تأمین کند (علیزاده موسوی، ۱۳۹۳: ۳۲).

سلفی‌گری تبلیغی:

سلفی تبلیغی بیش‌تر در برابر سلفی‌گری تکفیری مطرح می‌شود. سلفی‌گری تبلیغی نوعی

از سلفی‌گری است که محور فعالیت‌های خود را تبلیغ اندیشه‌ها و مبانی سلفی‌گری قرار می‌دهد. هرچند در ماهیت این نوع از سلفی‌گری نیز تکفیر مخالفان دیده می‌شود، اما در ظاهر نسبت به جهاد و مبارزه با مسلمانان کم‌تر تأکید دارد. سلفی‌گری تبلیغی می‌کوشد تا در عصر جهانی‌شدن، با بهره‌برداری از فن‌آوری‌های پیشرفته‌ی ارتباطی، گفتمان سلفی‌گری را جهانی سازد. معمولاً در باب تبلیغ نیز این جریان‌ها در دو محور فعالیت می‌کنند:

الف: ترویج مبانی سلفی‌گری: سلفیان تبلیغی می‌کوشند تا معارف و مبانی خود را در قالب روش‌های نوین به جهانیان عرضه کنند؛ مباحثی مانند حدیث‌گرایی، گذشته‌گرایی، ترویج مفاهیم اعتقادی تحریف‌شده‌ی خود مانند توحید و شرک و ایمان و کفر و

ب: شبهه‌افکنی: بخش دیگر و مهم‌تر از بخش اول در سلفی‌گری تبلیغی، القای شبهه برای تخریب عقاید مسلمانان است. به عنوان نمونه در ایام محرم، شبهه‌های عزاداری مطرح می‌شود و یا در مورد اهل سنت، طریقت که شمار فراوانی از اهل سنت به آن اعتقاد دارند، به چالش کشیده می‌شود (علیزاده موسوی، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۵).

بیان مفهومی منافع ملی:

عبارت است از ارزش‌های مادی و معنوی که افراد یک ملت نسبت به آن‌ها احساس تعلق، وابستگی و مالکیت نموده و برای حفاظت از آن‌ها و جلوگیری از تصرف آن‌ها به دست سایرین از خود حساسیت نشان داده و حاضر به پرداخت هزینه می‌باشند.

اول؛ منافع ملی ماهیت جمعی و عمومی دارد و به صورت امری مشاع بین افراد جمع که همان ملت است تظاهر می‌نماید. از این‌رو به تعداد ملت‌ها و کشورهای مستقل در جهان، منافع ملی متعدد وجود دارد.

دوم؛ منافع ملی شباهت به منافع گروهی و جمعی دیگر دارد. هر گروه انسانی، منافع مشترک و مشاع برای خود تعریف می‌کند. بنابراین منافع جمعی و گروهی از خصلت سلسله‌مراتبی برخوردار است و پایه و اساس آن را منافع گروه کوچکی نظیر خانواده تشکیل می‌دهد.

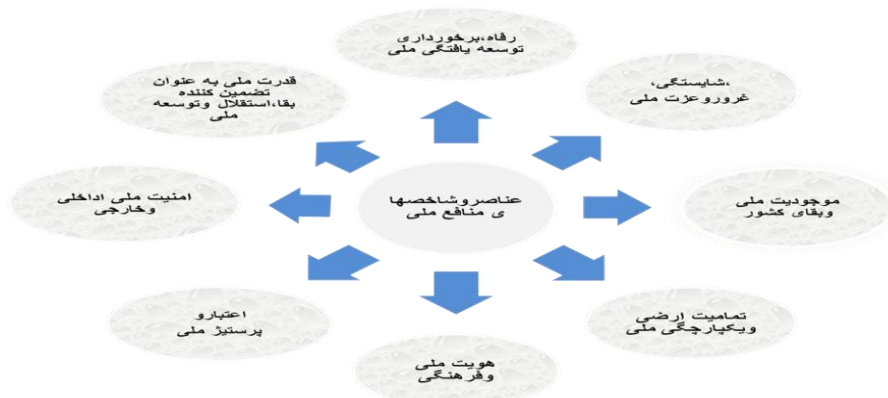
سوم؛ منافع از جنس ارزش هستند که می‌تواند دارای انواع مادی و معنوی باشد. مثلاً سرزمین مشترک یا خانه و گهواره زیست ملت و به عبارتی قلمرو کشور یک ارزش مادی؛ و پرستیژ و

حیثیت ملی یک ارزش معنوی تلقی می‌شود. بنابراین سرزمین و فضای ملی کشور و پرستیژ ملی، هر دو در زمره منافع ملی محسوب می‌گردند.

چهارم؛ منافع ملی ارزش‌های درک‌شده‌ای هستند که افراد ملت آن را از خود دانسته و متقابلاً خود را نیز وابسته به آن می‌دانند و برای دیگر ملت‌ها سهمی قائل نیستند.

پنجم؛ افراد ملت نسبت به آن‌ها حساسیت فوق‌العاده‌ای از خود بروز می‌دهند و چنانچه حادثه‌ای یا فرایندی نظیر تهاجم نظامی موجبات سلب منافع مزبور یا واگذاری آن به دیگر ملت‌ها را فراهم کند، به شدت خشمگین شده و دست به اقدامات جبرانی می‌زنند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۰۶-۳۰۵).

تنها در صورتی ملت‌ها حاضر به پذیرش از دست‌دادن چیزی می‌شوند که احساس کنند در برابر آن و حداقل به همان اندازه در قلمرو و حوزه دیگر، منافع ملی آن‌ها جبران می‌شود. دولت‌ها و حکومت‌ها که از طرف ملت‌های خود با سایر دولت‌ها مناسبات برقرار می‌کنند، در تعاملات خود با دیگران همواره به منافع ملی خود توجه دارند. در امر واگذاری یک قطعه زمین برای نهادهای سیاسی و دیپلماتیک گرفته، تا مبادلات تجاری و تعرفه‌های گمرکی و حتی کمک‌های انسان‌دوستانه و بلاعوض مهم‌ترین اصلی که مورد توجه قرار می‌گیرد این است که آیا انجام این عمل در راستای منافع ملی و تأمین ما به ازای آن قرار دارد یا خیر؟ لذا هر عمل دیپلماتیک یا هر نوع تعامل و ارتباط با دولت‌های دیگر باید از منظر منافع ملی توجیه داشته باشد. حکومت‌ها و دولت‌هایی هم که براساس ارزش‌های ایدئولوژیک ممکن است بخشی از منابع ملی را به خارج از مرزهای ملی خود انتقال دهند، معمولاً توجیهات لازم را به ملت خود ارائه می‌دهند و رضایت ملی را برای اقدام خود به‌طور رسمی یا ضمنی جلب می‌کنند؛ نظیر کمک‌های بلاعوضی که دولت‌ها تحت عنوان کمک به هم‌کیشان، سانحه‌دیدگان، هم‌نژادان و خویشاوندان قومی و تباری و بالاخره تحت عنوان کمک‌های بشردوستانه انجام می‌دهند. اگر حکومت برای رفتار ایدئولوژیک خود توجیهی ارائه ندهد و از دید مردم در تعارض با منافع ملی قرار گیرد؛ به‌طوری که بر منافع ملی ترجیح داده شود، حکومت با چالش روبرو خواهد گردید و می‌بایست در این زمینه تجدیدنظر نماید (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۸۱).



شکل ۱: مدل مفهومی عناصر و شاخصهای منافع ملی

اشتراکات کشورهای همسایه ایران و عراق:

ایران و عراق دو همسایه با اشتراکات تاریخی و فرهنگی فراوان هستند که هر یک در دوره‌ای، از قدرت‌های مهم منطقه به شمار می‌آمدند. حذف رژیم بعث در عراق که همواره به عنوان عامل تنش و ناامنی منطقه‌ای عمل می‌کرد و قدرت‌یابی مبارزان و گروه‌های مردمی شیعی در عراق که طی ۲۷ سال گذشته از حمایت‌های بی‌دریغ جمهوری اسلامی ایران برخوردار بوده‌اند، طبعاً از سوی جمهوری اسلامی ایران تحولی بسیار مثبت تلقی می‌شود؛ اما در واقع، حضور نیروهای آمریکایی در عراق، بی‌ثباتی، ناامنی و گسترش شکاف قومی - مذهبی و در نتیجه افزایش احتمال تجزیه عراق نیز از جنبه‌های منفی تحولات مذکور از دیدگاه ایران بوده است.

با توجه به تهدیدات و فرصت‌های یادشده، راهبرد ایران در عراق بعد از سقوط صدام، بر مبنای مشارکت فعال و سازنده برای کمک به دولت و مردم عراق استوار بوده است. سیاست ایران از اهداف و ابعاد متعددی برخوردار است که عمده‌ترین آن‌ها دولت‌سازی براساس الگوی دموکراتیک مبتنی بر رأی اکثریت مردم، همکاری با دولت عراق برای ایجاد امنیت و توسعه عراق و افزایش رفاه و اشتغال مردم و همچنین نهادینه‌سازی روابط یا ایجاد روابط استراتژیک بین دو کشور هستند.

شباهت‌های فراوان این دو کشور و قدرت ژئوپولیتیک آن‌ها، به خصوص در زمینه غنای نفتی موجب شد که دو کشور، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ باشند. از نظر ایران، تشکیل دولت

قدرتمند با حضور دولت مردمی و ایجاد ساختار دموکراتیک در عراق می‌تواند ضمن برقراری ثبات و امنیت داخلی، زمینه‌های رشد و شکوفایی منطقه‌ای را نیز فراهم سازد. پیگیری این اهداف از سوی عراق و ایران، مشکلات منطقه‌ای آمریکا را دوچندان می‌سازد. طیف تندروی نو محافظه‌کاران کاخ سفید حاضر به پذیرش واقعیت‌های موجود داخل عراق، به تثبیت هژمونی جهانی شدن کمک می‌کند. این در حالی است که با نهادینه شدن روند سیاسی عراق جدید، شرایط منطقه‌ای به نفع مردم و همسایگان عراق، از جمله ایران پیش خواهد رفت و بهانه‌ای برای حضور نیروهای خارجی در عراق باقی نخواهد ماند.

قرائن موجود نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها به دلیل تضاد منافع با ایران بر سر مسائل منطقه‌ای و پرونده هسته‌ای آن، خواهان حفظ پایگاه‌های نظامی خویش در عراق با مدت طولانی هستند. در همین حال، گسترش نفوذ ایران در منطقه و نزدیکی ایران و عراق موجب شده است که آمریکایی‌ها با از دست دادن اعتماد و اعتقادشان به دولت عراق، در حال محک و آزمون منافی باشند که بتواند با تحمیل جو خشونت و درگیری‌های فرقه‌ای در عراق، منافع خویش را تأمین کنند.

تحولات اخیر عراق با توجه به ورود تروریست‌های تکفیری به بطن رخدادهای این کشور و همچنین از پشت پرده بیرون آمدن حامیان منطقه‌ای این گروه، برای همه بازیگران منطقه هم یک «فرصت» و هم یک «تهدید» می‌تواند باشد. اکنون انتخاب گزینه درست از میان گزینه‌های موجود برای دستگاه دیپلماسی ایران بی‌شابهت به حرکت روی تیغه شمشیر نیست. اگر این واقعیت پذیرفته شود که عراق به نوعی «عمق استراتژیک» ایران است و سلفی‌گری حول تشدید مناقشه شیعه - سنی، تهدیدکننده ثبات منطقه‌ای و منافع ملی کشور است، در آن صورت سیاست‌ورزی باید در چارچوب مهار و بازدارندگی آن تدوین و به کار گرفته شود.

فرصت‌های ایجادشده از تهدید حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران:

(۱) اثبات قدرت منطقه‌ای ایران:

حضور داعش در کشورهای عراق و سوریه، به‌ویژه پس از حمله داعش به ایزدی تبارهای عراق موجب گردید بیش از چهل کشور دنیا به رهبری آمریکا علیه داعش هم‌پیمان شوند تا به

اصطلاح داعش را از بین ببرند. این اقدام تقریباً نمایشی در حالی صورت گرفت که برخی از این کشورها از جمله عربستان، ترکیه، آمریکا، امارات، قطر و انگلیس در تشکیل و تجهیز داعش نقش بسیار تأثیرگذاری داشتند. جمهوری اسلامی ایران که در این پیمان حضور نیافت از فرصت استفاده نمود و قبل از اقدام آمریکا و هم‌پیمانانش، به کمک دولت و مردم عراق علیه گروه تروریستی داعش شتافت. اقدامات اثربخش ایران موجب گردید که تمام مسئولین عراق و حتی مخالفین ج.ا. ایران در عراق نیز به تأثیر اقدامات ایران در پیشگیری از سقوط کامل دولت بغداد و اشغال کامل عراق دولت اعتراف نمودند و بارها از ایران تقدیر کردند. اقدامات همه‌جانبه ایران به حدی بود که تلاش ۴۰ کشور هم‌پیمان آمریکا در مبارزه با داعش کاملاً در سایه قرار گرفت و رسانه‌های دنیا و حتی رسانه‌های غربی، بارها از نقش مثبت ایران در این بحران به نیکی یاد کردند. این حضور مقتدرانه و اثرگذار، موجب شد اقتدار نظامی و سیاسی ایران در منطقه به همه جهانیان، کشورهای فرامنطقه‌ای و کشورهای نظیر عربستان و ترکیه که رقابت شدیدی با ایران در منطقه جنوب غرب آسیا دارند، ثابت شود. از منظر دیگر، این حضور قدرتمند باعث شد بارها غربی‌ها به صورت محرمانه و عادی از ایران بخواهند تا در مبارزه با داعش با آن‌ها هم‌پیمان شود. در مهرماه ۹۳، وزیر خارجه فرانسه از کشورهای مختلف از جمله ایران خواست در جنگ با داعش در عراق متحد شوند. اوباما نیز با ارسال نامه‌ای محرمانه به رهبر انقلاب خواستار اتحاد با آمریکا در مبارزه با داعش گردید.

(۲) رسوایی غرب: از طرفی دیگر، ایران از این فرصت استفاده کرد و رسوایی کشورهای غربی در مبارزه با تروریسم را فریاد زد و بارها از سوی مسئولین ج.ا. ایران اعلام شد که آمریکا و غرب عامل ایجاد داعش بودند تا به وسیله آن‌ها اهداف خود را در سوریه و عراق و دیگر کشورهای اسلامی پیاده کنند. در یکی از این بیانات، رهبر جمهوری اسلامی ایران، داعش را ساخته انگلیس خبیث دانست و اعلام نمود این سیاست استعمار و مخصوصاً انگلیس خبیث است، این‌ها داعش و القاعده را برای مقابله با جمهوری اسلامی و بیداری اسلامی درست کردند، البته امروز دامن خودشان را گرفته است. تلاش امروز آمریکا و هم‌پیمانانش برای مقابله با داعش که واقعیت هم ندارد، بیش از آنکه تلاش برای از بین بردن نطفه آن باشد، برای جهت‌دادن و تقویت اختلاف‌افکنی‌ها بین مسلمانان است.

(۳) ارتقاء جایگاه مرجعیت دینی: از دیگر فرصت‌هایی که حضور داعش در منطقه، نصیب ج.ا. ایران کرد، این بود که ارزش مرجعیت دینی و مراجع تقلید را بیش از پیش برای مردم و سایر کشورها آشکار نمود. پس از حضور داعش در عراق و تصرف تعدادی از شهرهای این کشور، آیت‌الله سیستانی مرجع تقلید شیعه، از شیعیان خواسته تا «سلاح بردارند و با پیکارجویان افراطی مبارزه کنند». بنا بر ادعای یکی از فرماندهان این گروه، حمایت ایران از شبه‌نظامیان شیعه عراق یکی از دلایل موفقیت این گروه‌ها در مبارزه با داعش بوده است. مردم به ندای این مرجع دینی به نحو چشمگیری لبیک گفتند و موج عظیمی از نیروی مردمی جهت مبارزه با گروه داعش در عراق ایجاد گردید که حضور این نیروها موجب توقف داعش در عراق و شروع اضمحلال این گروه تروریستی گردید.

(۴) ایجاد فرصت اقتصادی: حضور داعش در عراق یک فرصت اقتصادی برای ایران در استان کرمانشاه و دیگر استان‌های مرزی ایجاد کرد. فرصتی که به واسطه حضور داعش در عراق و تحریم کالاهای کشورهای ترکیه و عربستان برای ایران در بازار عراق ایجاد شد. در پی حضور داعش در عراق، مردم این کشور کالاهای وارداتی از ترکیه و عربستان را تحریم کردند و در حرکتی هماهنگ اعلام کردند که کالاهای این دو کشور را نخرند. این اقدام علاوه بر اینکه یک فرصت اقتصادی را برای ج.ا. ایران به ارمغان آورد و موجب ارزآوری زیادی برای ایران گردید؛ همچنین موجب شد دو کشور رقیب ایران حضور اقتصادی خود را در عراق کم‌رنگ ببینند که این نیز فرصت مغتنمی برای ایران بود تا قدرت منطقه‌ای خود در عرصه اقتصادی را نیز تقویت نماید. طبق آمار گمرک، تراز تجاری جمهوری اسلامی ایران و عراق ۹۸,۵ درصد به نفع ایران است و عراق، دومین شریک تجاری ایران محسوب می‌شود و یکی از دو کشوری است که تراز تجاری‌مان نسبت به آن مثبت است، یعنی میزان صادراتمان به این کشور بیشتر از میزان وارداتمان است.

(۵) برتری دیپلماسی ایرانی در لبنان: حمله داعش به شهر مرزی عرسال در لبنان دقیقاً زمانی روی داد که عرصه سیاسی لبنان در کش مکش انتخاب رئیس‌جمهور به سر می‌برد. با وجود برگزاری چندین جلسه پارلمانی برای انتخاب رئیس‌جمهور، این سمت همچنان خالی باقی مانده

است تا بخشی از خلأ قدرت در لبنان محسوس باشد و کشور همچنان روی بحران‌های متعدد خود ادامه مسیر دهد. در این میان، بحران عرسال فرصتی به وجود آورده است تا مدعیان ریاست جمهوری بتوانند خودی نشان بدهند و جنگ با داعش در مرزهای سوریه و لبنان را فرصتی برای دورخیز به سمت کرسی ریاست جمهوری لبنان بدانند. به رغم خسارت‌های سنگینی که ارتش لبنان بر گروه‌های تروریستی داعش و جبهه النصره در شهر عرسال وارد کرده، اما آن‌ها نیز هزینه‌هایی سنگینی را به ارتش لبنان وارد کرده‌اند.

(۶) نشان‌دادن سیاست خارجی موفق ایران: فرصت بعدی که تهدید داعش در

منطقه برای ایران به وجود آورد، در بخش سیاست خارجی ایران بود. مسئله داعش یک فرصت و فضای مثبتی را برای سیاست خارجی ایران به وجود آورده است؛ زیرا نه تنها باعث شده خط سیاسی رسمی ایران که تروریسم منطقه‌ای را با تروریسم جهانی مرتبط می‌داند، اثبات شود؛ بلکه موجب شده است تا فضایی به وجود آید که به بازیگران دیگر اثبات شود که ایران عامل و کشوری قدرتمند در منطقه است که قادر است با این‌گونه مسائل مقابله کند. ایران در جریان تحولات اخیر عراق ثابت کرد که خط قرمز سقوط دولت عراق است. ایران از این فرصت به خوبی استفاده کرد و اجازه نداد دولت شیعی عراق انسجام خود را از دست دهد و سقوط کند. همچنین در این میان ثابت شده که نه تنها دولت ایران اسلامی قدرتمند است، بلکه ملت ایران هم قوی است؛ زیرا اجازه نفوذ داعش به داخل مرزهای خود را نداده است.

تلاش ایران برای ایفای نقش ائتلاف‌سازی میان گروه‌های مختلف شیعه سنی و کرد و ترسیم یک موقعیت برد-برد در ساختار سیاسی و تقسیم قدرت در دولت مرکزی حائز اهمیت است. از این لحاظ ایران نشان داد که یک بازیگر «ائتلاف‌ساز» است. به اعتقاد نویسندگان، ایران تنها کشوری در میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که می‌تواند نقش ائتلاف‌ساز را ایفا کند. هیچ کشور دیگری از جمله: ترکیه، عربستان و حتی آمریکا نمی‌توانند هم‌زمان این ویژگی را داشته باشند که روابط اربیل و بغداد را ترمیم کنند، گروه‌های مختلف شیعی را به ماندن در ائتلاف سیاسی‌شان ترغیب کند و یا روابط بین گروه‌های سنی متعادل را (گروه‌هایی که به هر حال تفکرات ضد ایرانی ندارند) با سایر گروه‌ها برقرار کند. اگر نقش ائتلاف‌ساز ایران نبود، این انتقال قدرت سیاسی در عراق به راحتی شکل نمی‌گرفت (مینایی، ۱۳۹۴).

راهبردهای بازدارنده در مقابله با گسترش و یا جابجایی جریان‌های تکفیری:

- ۱- ناامن سازی کلیه گزینه‌های مناسب برای جای‌گیری امکانات و یا استعداد گروه‌های تکفیری؛
- ۲- پشتیبانی از ارتش و نیروهای مسلح در کشورهای معارض و مقابل جریان‌های تکفیری؛
- ۳- تقویت قابلیت‌های واکنش سیاسی و بازدارنده حکومت‌های تحت تهاجم جریان‌های تکفیری؛
- ۴- حذف توانمندی‌های طراحی راهبرد و یا هدایت و سازمان‌دهی عملیات تکفیری؛
- ۵- تقویت کارکردهای بسیج مردمی و انقلابی در حفاظت از دستاوردهای ملی و مذهبی در برابر تکفیری‌ها؛
- ۶- تضعیف عقبه فرهنگی و اجتماعی با استفاده از کارکردهای سلبی و ایجابی نرم (تبلیغی و اطلاعاتی)؛
- ۷- تقویت شبکه‌های اطلاعاتی و توسعه اشراف بر طراحی عملیات و هدایت توانمندی‌ها در جریان تکفیری؛
- ۸- جلوگیری از دست برتر شدن قوای ائتلاف غرب علیه جریان‌های تکفیری (حذف نقش و مدعای رهبری غرب علیه داعش)؛
- ۹- ناامن سازی مسیر تردد، فراخوان، ورود و جذب اعضاء جدید به جریان‌های درگیر تکفیری در منطقه؛
- ۱۰- جلوگیری از تقویت مالی و به دست گرفتن منابع اقتصادی جدید توسط تکفیری‌ها؛
- ۱۱- راه‌اندازی کمیته تعقیب و مجازات جنایتکاران جریان تکفیری در جهان اسلام؛
- ۱۲- به صحنه آوردن کلیه سازوکارهای ارتباط و آگاه‌سازی فرهنگی عناصر عضو جریان‌های تکفیری؛
- ۱۳- جلوگیری از تجزیه و چند پارچه‌سازی سرزمینی در کشورهای تحت تهاجم تکفیری‌ها؛

۱۴- عدم گره‌زدگی مبارزه علیه تکفیری‌ها با آینده جهان اسلام؛

۱۵- افشای سیاست قدرت‌های بزرگ در عضویت و به راه‌اندازی ائتلاف علیه جریان‌های تکفیری؛

۱۶- طرح و نفی هرگونه همکاری جمهوری اسلامی ایران با دولت آمریکا به صورت راهبردی.

نتیجه‌گیری:

عراق جدید برای جمهوری اسلامی ایران، فرصت‌ها و تهدیداتی را توأمأ در برداشته است و این امر ضرورت اتخاذ استراتژی مناسب با تحولات مزبور را ایجاب کرده است. حذف رژیم بعث در عراق که همواره به عنوان عامل تنش و ناامنی منطقه‌ای عمل می‌کرد و قدرت‌یابی مبارزان و گروه‌های مردمی شیعی در عراق که طی ۲۷ سال گذشته از حمایت‌های بی‌دریغ جمهوری اسلامی ایران برخوردار بوده‌اند، طبعاً از سوی جمهوری اسلامی ایران تحولی بسیار مثبت تلقی می‌شود؛ اما در عین حال حضور نیروهای آمریکایی در عراق، بی‌ثباتی، ناامنی و گسترش شکاف قومی - مذهبی و در نتیجه افزایش احتمال تجزیه عراق نیز از جنبه‌های منفی تحولات مذکور از دیدگاه ایران بوده است. با توجه به تهدیدات و فرصت‌های یاد شده، راهبرد ایران در عراق بعد از سقوط صدام بر مبنای مشارکت فعال و سازنده برای کمک به دولت و مردم عراق استوار بوده است. سیاست ایران از اهداف و ابعاد متعددی برخوردار است که عمده‌ترین آن‌ها دولت‌سازی براساس الگوی دموکراتیک مبتنی بر رأی اکثریت مردم، همکاری با دولت عراق برای ایجاد امنیت و توسعه عراق و افزایش رفاه و اشتغال مردم و همچنین نهادینه‌سازی روابط یا ایجاد روابط استراتژیک بین دو کشور می‌باشند.

جمهوری اسلامی ایران، حمایت از همه دولت‌های عراق پس از صدام و کمک به آن‌ها در جهت ایجاد ثبات و امنیت در این کشور را در کانون سیاست خارجی خود قرار داده است. در این راستا، جلوگیری از شکل‌گیری کانون‌های تهدید امنیتی در عراق، برقراری و ایجاد ارتباطات مستحکم با همه گروه‌های عراقی از جمله شیعه، کرد و سنی و حمایت از آن‌ها در اولویت قرار گرفته است.

هرچند ایالات متحده در طرح اولیه خود برای عراق، خواستار ایجاد رقیبی استراتژیک و

موازنه‌گر در قبال ایران و حتی ایجاد رقابت مذهبی بین مراجع شیعی در قم و نجف و در نتیجه تضعیف قدرت و نماد ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه بود؛ اما نتیجه‌ای که حاصل شد عکس انتظار آن کشور بود. فروپاشی رژیم بعث که به برتری قدرت شیعیان و کردها در ساختار سیاسی نوین عراق منجر شد، به افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران و دگرگونی در معادلات قدرت خاورمیانه منتهی شد. این امر که حاصل افزایش نفوذ ایران در داخل عراق نیز می‌باشد، از مؤلفه‌های متعددی ناشی می‌شود. پیوندهای دیرینه تاریخی، فرهنگی و مذهبی بین مردم ایران و عراق و حضور معارضین عراقی شیعه و گُرد در دوران زمامداری صدام حسین در ایران و در نتیجه ارتباط برادرانه و نزدیک بین نخبگان مذهبی و سیاسی ایران و رهبران مذهبی و سیاسی شیعی و گُرد در عراق که بخش عمده‌ای از آن‌ها در ساختار دموکراتیک جدید به قدرت رسیده‌اند، از عوامل اصلی این نفوذ طبیعی محسوب می‌شود.

بدین ترتیب، حفظ و تقویت دولت فعلی که براساس مبانی دموکراتیک و قانونی شکل گرفته است، از اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. از این رو، عدم موفقیت دولت جدید عراق در فرآیند دولت‌سازی و کنترل و تسلط بر اوضاع امنیتی کشور و تداوم مسائل و بحران‌های سیاسی و اجتماعی که از عوامل مهم ناامنی به شمار می‌آیند، می‌تواند زمینه‌ساز تحولاتی در عراق شود که با منافع ملی ایران در تضاد قرار داشته باشد و حتی به ظهور مجدد دولتی ضد ایرانی در عراق منتهی گردد. در تحلیل علل ناکامی کنونی در روند دولت - ملت‌سازی دموکراتیک در عراق می‌توان به مؤلفه‌هایی مانند رشد هویت‌های سیاسی قوم‌محور و مذهب‌محور و کارکردهای آن، اقدامات تروریستی گروه‌های سنی و القاعده و حمایت برخی از کشورهای عرب منطقه از آن‌ها و بروز شک و تردید در میان تصمیم‌گیران در ایالات متحده در خصوص حمایت از دولت عراق اشاره کرد. با توجه به این مؤلفه‌ها و احتمال تبدیل شدن فرصت‌های استراتژیک ایران به تهدید امنیتی و اهمیت برقراری ثبات و امنیت در عراق از منظر جمهوری اسلامی ایران، بررسی و بازتعریف استراتژی ایران در عراق آشکارتر می‌شود.

ساختار قومی و مذهبی عراق به گونه‌ای است که از حدود ۸۰ درصد عرب و ۲۰ درصد غیر عرب (کرد و ترکمن) تشکیل می‌شود. از این میان، از حدود ۸۰ درصد عرب، ۶۵ درصد شیعه و ۱۵ تا ۲۰ درصد آن‌ها عرب سنی هستند. با این حال، عرب‌های سنی برخلاف شیعیان و کردها،

حاکم عراق بوده‌اند. گفته می‌شود یکی از دلایل گرایش انگلیسی‌ها به استفاده از سیاستمداران سنی برای اداره عراق، رویارویی و صف‌آرایی جدی شیعیان در برابر انگلیسی‌ها بود؛ در حالی که عرب‌های سنی چنین رویکردی به انگلیسی‌ها نداشتند و حتی در مواردی از عملکرد انگلیس در فروپاشی امپراطوری عثمانی خشنود بودند.

حمله آمریکا به عراق، نه تنها موجب فروپاشی رژیم صدام حسین، بلکه موجب انحلال دولت سنی‌محور در عراق نیز شد. درست به همین دلیل است که نه تنها عرب‌های سنی طرفدار صدام، بلکه برخی عرب‌های سنی مخالف صدام نیز با اوضاع عراق پس از سقوط صدام و برگزاری انتخابات مخالف بودند.

ویژگی‌های فرهنگی، نژادی، آداب‌ورسوم و تجربیات تاریخی، همراه با جهان‌بینی مذهبی بزرگ‌ترین گروه مذهبی عراق، راه را برای گسترش نفوذ سیاسی ایران در این کشور باز می‌کند و همان‌گونه که بیشتر کارشناسان می‌گویند، چنین فرآیندی بیش از هر چیزی، روندی عادی و طبیعی است.

افزون بر بحث دخالت ایران در مسائل عراق، به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از کشورهای منطقه (جز ایران) و قدرت‌های بزرگ (آمریکا) دوست ندارند که حکومتی شیعی‌محور در عراق روی کار بیاید. چنان که با نزدیک شدن به موارد حساس مثل انتخابات، تبلیغات ضد شیعی و ضد ایرانی از طرف برخی گروه‌ها و کشورهای منطقه و حتی ابرقدرت آمریکا علیه شیعیان و ایران افزایش یابد.

در مجموع اگر قواعد دموکراسی و انتخابات آزاد، واقعاً در عراق رعایت شود، به صورت طبیعی، شیعیان بیشترین قدرت را خواهند داشت؛ از این رو خواهند کوشید قوانین عراق را از سلطه فرهنگی سنی‌ها در آورند؛ این مسئله مطلوب عرب‌ها نیست. تشکیل دومین دولت شیعی در عراق، یعنی آغاز فصل جدیدی در معادلات امنیتی - سیاسی خاورمیانه و تشدید شکاف‌ها در جهان عرب و تضعیف هر چه بیشتر آن. این امر به معنی وابستگی روزافزون عرب‌ها به جهان غرب، برای تأمین امنیت آن‌ها است. جلوگیری از قدرت گرفتن شیعیان، جز از راه به‌کارگیری روش‌های غیر دموکراتیک و مداخله صریح آمریکا ممکن نیست و انجام چنین امری نیز موقعیت آمریکا را نزد

شیعیان عراق به شدت تضعیف خواهد کرد. رسیدن به یک آشتی ملی میان شیعیان و سنی‌های عرب، حداقل برای چند سال آینده، محتمل به نظر نمی‌رسد؛ از این‌رو محتمل‌ترین گزینه، ظهور بن‌بست‌های سیاسی، به واسطه پیروزی شیعیان از یک طرف و عدم تمایل عرب‌های سنی به مشارکت سیاسی از طرف دیگر است. حتی اگر عرب‌های سنی داخل عراق، حاضر به آشتی ملی باشند، رهبران عرب منطقه به راحتی حاضر به پذیرش چنین امری نخواهند بود. هرگونه مداخله آمریکا به نفع یکی از دو طرف نیز موجب نارضایتی بخشی از متحدان آمریکا خواهد گردید. نارضایتی‌هایی که آمریکا همواره به دلیل داشتن قدرت برتر، به مدیریت آن‌ها نیاز داشته است.

منابع:

- ۱- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۸). ظهور و افول القاعده در عراق. فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۱.
- ۲- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۷). تهران پژوهشکده تحقیقات استراتژی، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۳- امیر نوحی، محمد (۱۳۸۶). بررسی جریان‌های سلفی اهل سنت و تأثیرات آن بر محیط جمهوری اسلامی ایران. سخنرانی در دانشگاه امام حسین (ع).
- ۴- امیرزاده، عباس (۱۳۹۰). بیداری اسلامی و ژئوپلیتیک جدید قدرت در خاورمیانه.
- ۵- آشوری، داریوش (۱۳۷۳). دانشنامه سیاسی. تهران: انتشارات مروارید.
- ۶- آقابخشی، علی (۱۳۷۴). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات مدارک علمی ایران.
- ۷- بابی، سعید (۱۳۷۹). هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی؛ ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- بادشتی، علی‌الله (۱۳۸۸). شناخت سلفیه. فصلنامه اقوام و مذاهب، میثاق امین، سال سوم، ش ۱۲.
- ۹- بوزان، باری (۱۳۸۷). مردم دولت‌ها و هراس. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۰- البوطی، محمد سعید رمضان (۱۳۸۷). سلفیه؛ بدعت یا مذهب؛ ترجمه حسین صابری. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۱۱- بهنساوی، سالم (۱۳۹۳). نقد و بررسی اندیشه تکفیر؛ ترجمه سالم افسری، نشر احسان.
- ۱۲- پوراردکانی، عباس باقر (بی‌تا). بررسی مشروعیت حمله نظامی آمریکا به عراق. تهران: مجله تحولات جهان، موسسه بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۳- پورسعید، فرزاد (۱۳۵۸). تروریسم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی.
- ۱۴- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۴). مواضع و عملکرد کشورهای عربی نسبت به تحولات

- عراق. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
- ۱۵- حائمی، محمدرضا؛ بحرانی، مرتضی (۱۳۹۲). دایرةالمعارف جنبش‌های اسلامی.
- ۱۶- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۱). خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز. تهران: سمت.
- ۱۷- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۱۸- حیدری مهذب، حسین (۱۳۹۳). مرز تطبیقی جریان وهابیت. پژوهشگاه منطقه‌ای.
- ۱۹- خسروشاهی، رضا (۱۳۴۱). علل ظهور فرق و مذاهب اسلامی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲۰- الرهیمی، عبد الحلیم (۱۳۸۰). تاریخ جنبش اسلامی در عراق؛ ترجمه جعفر دلشاد. اصفهان: انتشارات چهارباغ.
- ۲۱- خسروی، غلامرضا (۱۳۹۰). چشم‌انداز عراق آینده. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- ۲۲- خلیلی، محسن (۱۳۹۰). بایستگی‌های ژئواکونمیک توسعه منطقه‌ی جنوب شرقی ایران، فصلنامه‌ی روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم.
- ۲۳- دکمجیان، هرایر (۱۳۷۷). جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب؛ ترجمه حمید احمدی. تهران: کیهان.
- ۲۴- دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران (۱۳۸۴). ژئوپلیتیک شیعه در خاورمیانه پس از حمله آمریکا به عراق. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۵- دهقان طراز جانی، محمود (۱۳۷۹). روابط خارجی ایران و همسایگان در دو دهه انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات سروش.
- ۲۶- رحیم صفوی، یحیی (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۲۷- رضوانی، علی‌اصغر (۱۳۸۴). شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات. تهران: نشر مشعر، چاپ دوم، ج ۲.
- ۲۸- رضوانی، علی‌اصغر (۱۳۸۸). شناخت سلفی‌ها. تهران: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۲۹- روحانی، حسن (۱۳۸۸). آشنایی با کشورهای اسلامی. تهران: نشر مشعر.

- ۳۰- روشندل، جلیل (۱۳۲۴). امنیت ملی و نظام بین‌المللی. تهران: انتشارات سمت.
- ۳۱- زندی، داود (۱۳۹۳). پیشروی داعش در عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ج. ا. ا ایران. تهران: پژوهشکده فارابی.
- ۳۲- سبحانی، جعفر (۱۳۹۲). سلفی و سلفی‌گری، مجلات نور.
- ۳۳- سبحانی، جعفر (۱۳۹۲). آشنایی با مکتب سلفی، مجله تخصصی کلام اسلامی.
- ۳۴- سبحانی، جعفر (۱۳۹۳). ریشه‌های پدیده تکفیر از دیدگاه علمای اسلام. قم: کنگره جریان‌های افراطی تکفیری.
- ۳۵- سجادی‌پور، محمدکاظم (۱۳۸۲). بحران عراق و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی، ش ۲۱.
- ۳۶- سلیمان‌زاده، عباس (۱۳۸۹). چالش‌های پیش روی دولت عراق، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال نهم، شماره.
- ۳۷- صفوی رحیم، یحیی (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران: شمال و شمال غرب کشور. تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)
- ۳۸- طاهری بن چناری، میثم (۱۳۸۲). سابقه استعماری انگلیس در خلیج فارس. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ۳۹- عباسی، حبیب (۱۳۸۹). بنیان‌های وهابیت - تضاد مذهب شافعی با وهابیت. مقالات نور.
- ۴۰- عبدی‌پور، حسین (۱۳۸۸). جریان‌شناسی معاصر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- ۴۱- العزوی، عباس (۱۹۵۵). تاریخ العراق بین احتلالین، جلد ۶ بغداد.
- ۴۲- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۱). تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۴۳- علی‌بخشی، ابراهیم؛ بیات، محمدحسن (۱۳۸۷). مبانی نظری منافع ملی. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نشر اجا.
- ۴۴- عزیززاده موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۳). گونه‌شناسی سلفی‌گری و وهابیت. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ناشر آوای منجی.